



پاسخ امام علی(ع) به افراط گران و تفريط گران در مقابل معاویه/ صبر نموده و با آنها مدارا نمائید

امام علی(ع) در جواب گروهی که قبل از بازگشت سفیر تقاضای جنگ با معاویه را کرده بودند، گفت: «آمادگی برای جنگ یعنی درب صلح را بستن»...

خبرگزار مهر - امام علی(ع) در جواب گروهی که قبل از بازگشت سفیر تقاضای جنگ با معاویه را کرده بودند، گفت: «آمادگی برای جنگ یعنی درب صلح را بستن» و در پاسخ گروهی که پیشنهاد باقی ماندن معاویه به فرمانداری شام را داده بودند، گفت: خدا مرا نبیند آن روز که گمراهان را یاور خویش قرار داده باشم. امام علی (ع) پس از آنکه جریر بن عبد الله بجلی را به عنوان نماینده خود برای گفتگو با معاویه به شام فرستاد، یارانش از او خواستند که آماده مبارزه شود امام علی(ع) در پاسخ آنها سخنان ذیل را ایراد فرمود: «آمادگی برای جنگ یعنی درب صلح را بستن» مهیا شدنم برای جنگ با شامیان، با اینکه «جریر» را به رسالت به سویشان فرستاده ام به معنی این است که راه صلح را به روی آنها بسته ام! و اگر بخواهند اقدام به کار نیکی کنند آنها را منصرف ساخته ام، من مدت اقامت جریر را در شام معین ساخته ام که اگر تأخیر کند روشن می شود یا فریبش داده اند و یا از اطاعتم سر پیچیده است. عقیده من این است که صبر نموده با آنها مدارا نمائید، در عین حال من مانع از آن نیستم که شما خود را آماده پیکار کنید (ولی من شخصا این کار را نمی کنم).

من بارها این موضوع(مناسبات خود را با دستگاه جبار معاویه) بررسی کرده ام و پشت و روی آنرا مطالعه نموده ام، دیدم راهی جز پیکار و یا کافر شدن نسبت به آنچه پیامبر اسلام(ص) آورده است، ندارم، زیرا قبلا کسی بر مردم حکومت می کرد که اعمالش حوادثی آفرید و باعث گفتگو و سر و صدا شد، به او شدیداً اعتراض کردند و تغییرش دادند...

توضیح ها:

«جریر» از ناحیه عثمان فرماندار همدان بوده و پس از بیعت مردم با امیرمؤمنان(ع) و جریان جنگ جمل، امام بعد از ورود به کوفه برای هر کدام از فرمانداران نامه ای نوشت و نامه ای هم به وسیله «زهر بن قیس» به «جریر» نوشت و یادآور شد که جریان عثمان چگونه بوده است و می تواند مفصل آنرا از حامل نامه جویا شود.

جریر پس از مطالعه نامه در میان مردم به پا خاست و به آنها گفت: این نامه امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (ع) است، یعنی نامه همان کس که اگر مسئله خلافت به شورا واگذار می شد از او سزاوارتر نمی یافتیم، بنابراین، بقا و پیشرفت در اتحاد و فنا در تفرقه و جدائی است و به طور مسلم علی شما را به حق رهبری می کند. همه گفتند: راضی هستیم و مطیع فرمان او می باشیم. جریر علاوه بر این، نامه ای هم به اشعث که فرماندار آذربایجان بود نوشت و تأکید کرد از مردم برای امام(ع) بیعت بگیرد و سپس خود برای دیدار امام به کوفه آمد و ضمناً پیشنهاد کرد از این جهت که مردم شام اکثر از بستگان و همشهریهایی او هستند رسالت مربوط به معاویه را امام(ع) به او واگذار کند.

جریر پس از رسیدن به شام نامه امام را به دست معاویه داد و خود به پاخاست و برای مردم، سخن گفت و تذکر داد که همه از وضع عثمان آگاهید و تمام بلاد بدون گفتگو با علی(ع) بیعت کرده اند یعنی با شخصی که اگر به اختیار ما نیز مسئله خلافت گذاشته می شد کسی جز او نمی پذیرفتم. جریان طلحه و زبیر هم که خوب می دانید پس از بیعت، پیمان شکنی نمودند و سپس به معاویه رو کرد و گفت: تو هم از راهی برو که تمام مسلمانان رفته اند و جریر اضافه کرد که اگر بگوئی من فرماندار عثمان بوده ام درست نیست، زیرا خلیفه بعدی همان حقی را دارد که خلیفه پیشین در عزل و نصب تو، داشت، زیرا اگر عدم عزل خلیفه پیش ملاک باشد آئین خدا باقی نخواهد ماند.

معاویه گفت من در این باره می اندیشم. از آن طرف معاویه پس از گذشتن چند روز شامیان را گرد آورد و نامه ای را برای امام(ع) فرستاد. امام(ع) در پاسخ جریر نوشت او می خواهد با این پیشنهادات تو را سرگرم کند تا وضع شام برایش مسلم شود البته مغیره بن شعبه پیشنهاد باقی ماندن معاویه را به فرمانداری شام کرد، ولی من پاسخ دادم که «و لم یکن الله لیرانی اتخذ المضلین عضدا فان بايعك الرجل والا فاقبل» «خدا مرا نبیند آن روز که گمراهان را یاور خویش قرار داده باشم، اگر بیعت پذیرفت وگرنه به

کوفه بیا!« خلاصه در مدت اقامت جریر در شام معاویه مردم را برای انتقام خون عثمان آماده ساخت به طوری که بچه ها در کوچه ها اشعار مهیج درباره مظلومیت عثمان و انتقام خونش می خواندند!

سرانجام جریر مأیوس شد و به کوفه بازگشت و مردم عراق به جریر بدبین شده و او را طرفدار معاویه می شمردند، جریر از بدبینی عراقیان دلگیر شد و به جزیره 171#;قرقیسا» رفت. گروهی از بستگانش نیز به او ملحق شدند و تا پایان عمر در همان جا باقی ماند و در همان جا از دنیا رفت.